

Im Januar liegt viel Schnee. Niklas und seine Freunde bauen einen großen Schneemann und rodeln den Berg hinunter, bis ihre Gesichter knallrot vor Kälte sind. Manchmal fahren sie auch Ski oder laufen Schlittschuh.

در ماه ژانویه برف زیادی روی زمین است. نیکلاس و دوستانش آدم برفی بزرگی درست می‌کنند و از کوه با سورتمه آن‌قدر به پائین سر می‌خورند که صورت‌شان از سرما کاملاً سرخ می‌شود. گاهی هم اسکی‌بازی می‌کنند یا با پاتیناژ روی یخ سر می‌خورند.

Dann beginnt langsam der Schnee zu schmelzen. Überall tropft und plätschert es. Hier und da strecken die ersten Blumen schon ihre Köpfcchen aus der Erde. An den Futterhäuschen der Vögel ist jetzt viel Betrieb. Die Natur erwacht wieder zum Leben.

بعد یخ کم کم شروع به آب شدن می‌کند. همه جا آب، چکه و شرشر می‌کند. اولین گل‌ها، تک و توک سرشان را از زیر خاک بیرون می‌آورند. حالا دور و بر ظرف دانه پرنده، خیلی شلوغ است. طبیعت کم کم دوباره بیدار می‌شود.



der Schnee

برف



der Schneemann

آدم برفی



der Schlitten

سورتمه



die Schlittschuhe

کفش پاتیناژ



der Tropfen

قطره



die Blume

گل



das Futterhäuschen

ظرف دانه پرنده



die Erde

خاک